

آسیب شناسی اجتماعی در شهر تهران

علیرضا مهری

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب

Email:alireza.mehri1402@gmail.com

چکیده

آسیب های اجتماعی اعم از نابهنجاریها وانحرافات اجتماعی یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث جا معه شناسی است. اگر چه مساله نابهنجاری امری نسبی است و از جا معه ای به جا معه دیگر متفاوت است. اما آنچه که در این مبحث مطرح می باشد این است که چه عوا ملی آسیب های اجتماعی را کاهش یا افزایش می دهد و نقش مدیران و مسئولین شهری چگونه است؟

کلمات کلیدی: آسیب شناسی اجتماعی، مدیریت شهری، شهرداری

مقدمه:

فضای شهری در عین حال که سازنده روابط و مناسبات انسانی است می تواند از عوامل تسهیل کننده بروز انحرافات، جرایم و مسائل عدیده شهری هم باشد. هم زمان با رشد فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آنها به مراکز نامتجانس و ناهمگن اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، میزان جرایم شهرها به ویژه در مناطق مرکزی و حاشیه ای شهرهای بزرگ افزایش یافته است. به طوری که با بالا رفتن اندازه و وسعت شهرها میزان جرایم و آسیب‌های شهری افزایش یافته و بر ابعاد کمی و کیفی آن افزوده می‌شود. میزان جرایم و آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و کالبدی شهری با درجه توسعه شهری رابطه دارد و به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرایم و آسیب‌ها هم افزایش می‌یابد.

آسیب های اجتماعی

جامعه شهری با تمام تنوع و ویژگی‌های خاص خود، آکنده از مسائل و مشکلاتی است که ریشه‌های اجتماعی آنها از ابعاد دیگر، پرننگ‌تر و قوی‌تر به نظر می‌رسد. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در شهرها شکل می‌گیرند و به دلیل تراکم جمعیت، بیشتر آنها از دیده‌ها پنهان می‌مانند. مشکلات اجتماعی مسکن، محیط زیست، ترافیک، بهداشت عمومی، اشتغال، آموزش، حاشیه‌نشینی و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، طلاق، اعتیاد، قتل، سرقت و... غالباً از مسائل عمده زندگی شهری‌اند.

رشد شتابان شهرنشینی و ظهور کلان شهرها، عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب‌های شهری متعددی همراه شده است. مسائل و آسیب‌های شهری بسیار متعدد و متنوع شده‌اند. در طول تاریخ، نرخ جرایم و آسیب‌ها در نواحی شهری همواره بالا بوده است. (Dhaliwal and etc, 2000: 310). در حال حاضر نیز شهرها به ویژه کلان شهرها چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان، مهم‌ترین کانون‌های بروز ناهنجاری‌ها و جرایم اجتماعی هستند و به همین دلیل در فرآیند برنامه‌ریزی شهری، برای یک شهر سالم، کاهش جرم و جنایت در محیط‌های شهری، یکی از مهم‌ترین اهداف در ایجاد شهر سالم به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، شهر مکان تغییرات اجتماعی، نوآوری، خلق ادبیات، هنرها، اکتشافات و بسیاری از پدیده‌های انسانی است. نظام شهری، نیازمند نوعی نوازش در عصر حاضر است. شهرها، فقط مکان‌های فیزیکی با عناصر ساختی نیستند، بلکه دارای روابط و ارتباطاتی‌اند که حیات ارگانیکی شهرها را سامان می‌دهند.

به طور کلی، مسائل و مشکلات زندگی امروزی، زاینده زندگی شهری است بسیاری از نیازهای اجتماعی به زندگی شهری دامن می‌زنند و این نیازها با توجه به شدت رشد و توسعه نواحی شهری و سطح اقتصادی در نوسان است. گسترش انفجاری شهرها، به ویژه گسترش مهارنشندی آن، پیامدهای نامطلوبی به همراه دارد. از آن جمله‌اند:

۱- کابوس شهرهای چند میلیونی که در خود مسایل و مشکلات زیادی را می‌پروراند.

۲- از هم گسیختگی شبکه شهری

۳- ایمنی شهرها در برابر سوانح طبیعی. گسترش بی برنامه و خودجوش غالباً خطر زلزله، سیل و طوفان را نادیده می‌گیرد.

۴- پیامدهای زیست محیطی

شهرها در هر مرحله از رشد و توسعه باشند، دارای مسائل خاص خود می‌باشند. این مسائل در شهرهای کوچک و بزرگ به اشکال مختلف دیده می‌شوند. به خاطر اثر بخشی مسایل اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر روی شهرها و همچنین تفاوت‌های زمانی و مکان، مسایل شهری از شهری به شهر دیگر از ماهیت و ابعاد متفاوتی برخوردار هستند. می‌توان گفت مسایل شهرهای بزرگ در سه مقوله، کمبودها، آلودگی‌ها و تراکم‌های زیاد خلاصه می‌شوند که بیشتر از آنها به عنوان دستاوردهای منفی گسترش شهرها یاد می‌کنند به طوری که بر اثر گسترش سریع شهرها که متأثر از نرخ رشد بالای طبیعی جمعیت و مهاجرت وسیع روستائیان و ساکنین شهرهای کوچک می‌باشد، روز به روز بر میزان تراکم‌ها، کمبودها و آلودگی‌های شهری افزوده می‌شود.

مدیریت شهری

برای درک و فهم مفهوم مدیریت شهری شناسایی بخش های این ترکیب دارای اهمیت ویژه ای است . مدیریت را فراگرد به کارگیری موثر و کارآمد منابع انسانی و مادی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شدن است که از طریق برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می‌گیرد. از طرفی عده ای

شهر را پیچیده ترین مخلوق حال حاضر بشر می دانند که در آن انسان ها، ابزارهای دست ساز بشر، محیط زیست محیطی را ساخته است که ایجاد کننده کنش ها و واکنش های متعدد و چند جانبه است. به نحوی که انسان هم از آن اثر گرفته و هم بر آن اثر می گذارد. مطالعات دقیق تر این محیط با دید سیستمی و شناخت آثار کل بر جزء و جزئی بر کل نیز به نحوی ناقص بوده و محیط شهر از قواعد و قوانین غیر خطی پی روی می نماید. معیار های شناسایی شهر از گونه های غیر خود به طور معمول، میزان جمعیت، شغل غالب مردم ساکن، وجود شهرداری و مواردی اینگونه بوده است. امروزه، شهرها از دو جنبه اهمیت یافته اند: یکی بعنوان مرکز تجمع گروه عظیمی از مردم، دیگری بعنوان عمده ترین بازیگر نقش اقتصادی، در کل اقتصاد ملی. از اینرو، باید به مسائل و مشکلات آنها، توجه بیشتر و دقیق تر کرد. زیرا، در حالی که برنامه ریزی دقیق و درست، سبب رشد اقتصادی، تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می گردد، شکست در حل مشکلات و مسائل شهری، سبب رکود اقتصادی، نارضایتی های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط زیست خواهد شد. ترکیب مدیریت و شهر مفهوم سازماندهی امور مربوط به برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل در محدوده شهر را تداعی می نماید. مفهومی که در کشور های مختلف به دلیل ساختار های سیاسی و رویکرد های اقتصادی، نهاد های متفاوتی را با الگو های متفاوتی در خود درگیر دارد.

استرن در سال ۱۹۹۳ طی مقاله ای در نشریه شهرها بیان می کند که اصول کلی برای فهم مدیریت شهری وجود ندارد و مفهوم اصلی این واژه بسیار گیج کننده است. مدیریت شهری با توجه به سلیقه ها، ادارک افراد و همچنین اقتضای سیاسی - اجتماعی زمانهای مختلف معانی متفاوت داشته است. چنانچه ما در زمان کنونی نیز این اختلاف معانی و مفهوم را کاملا شاهد هستیم. از نظر بانک جهانی مدیریت شهری یک فعالیت شبه تجاری برای دولت هاست. به عبارت دیگر مدیریت شهری یعنی اداره امور شهری و کارایی بیشتر برای استفاده از وام های بانک جهانی می باشد. بعضی اوقات مدیریت شهری بعنوان ابزاری برای اجرای سیاستگذاریهای شهری در نظر گرفته می شود که به مفهوم علم اداره جامعه می باشد. با این حال نقطه شروع مدیریت شهری به معنای نوین آن را بایستی در تحولات دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی جست. در این زمان و پس از دوره رکود نسبی دهه ۸۰ مضمین و مفاهیم جدیدی در ارتباط با نقش و وظایف دولتها به وجود آمد و دولت رفاهی که در دهه ۷۰ ناکارآمدی خود را در مواجهه با رخدادهای جاری در زمینه های فنی و اجتماعی نشان داده بود جای خود را به دولت حداقلی داد و دولتهای محلی در پرتو مدیریت نوین دولتی به توانمندساز بدل شدند. فرایند تمرکز زدایی نیز در تبدیل مدیریت شهری به یک فعالیت قدرتمند و دارای اختیارات قانونی سرعت بخشید.

عوامل مؤثر در ایجاد آسیب های اجتماعی

مطالعات انجام شده در ارتباط با آسیب های اجتماعی، عوامل زیر را منشاء بسیاری از انحرافات اجتماعی قلمداد نموده اند. در این بخش هر یک از عوامل به اجمال مورد بررسی قرار می گیرد.

نابرابری های اقتصادی و اجتماعی: اختلافات طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیت هایی قرار می دهند که نمی توانند نقش های اجتماعی مناسب خود را بیابند و موجب اختلاف در هنجارهای اجتماعی می شود. در نتیجه، ستیزه هنجارهای اجتماعی، تفاوت معیارها را به وجود می آورد و عدم تعهد به معیارها و تردید در اصالت آنها، عدم پابندی به قوانین را ایجاد می کند که این به نوبه خود تضادهای اجتماعی را افزایش می دهد. درون این تضاد، کشش به سمت انحرافات اجتماعی وجود دارد.

رفاه اقتصادی خانواده: در خانواده هایی که رفاه و درآمد اقتصادی زیاد است، روابط انسانی بر اثر کثرت کار و یا سرگرمی ضعیف تر می گردد. ضعف روابط انسانی به نوبه خود عامل مساعدی برای کشش به سوی انحرافات اجتماعی است. امروزه والدین و فرزندان نسبت به هم احساس و عاطفه گذشته را ندارند، چون با یکدیگر تماس و ارتباط کمتری دارند و از طرف دیگر افرادی که درآمد بیشتر از حد دارند، موقعیت و زمینه مساعدتری برای تفریحات متنوع در داخل و یا خارج از کشور را دارند و بدیهی است که این قبیل امکانات برای مصرف و فروش مواد مخدر زمینه بسیار مساعدی است.

فقر مادی خانواده: در مطالعات علمی نشان داده شده است که فقر مبنای اساس انحرافات اجتماعی است. از آن جایی که بیشتر مجرمین، معتادین به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می نمایند، از طبقات پایین

اجتماعی بوده اند در عصر حاضر از فقر به عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرائم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته های جوانان آن طبقه با آن چه که در دسترس آنهاست، سرچشمه می گیرد. عمده ترین علت انحرافات اخلاقی طبقه فقیر نتیجه فشارهای حاصله از شکست در رسیدن به هدف های معین است.

بیکاری: بیکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی است. افراد بیکار بیشترین اوقات خود را در اماکن عمومی از جمله پارک ها می گذرانند و این گونه اماکن، بهترین و مناسب ترین مکان برای کشش به سمت انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد است.

رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی: اگر در جامعه ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از آن صنعت به طور عادلانه توزیع نگردد، امکان وقوع سه اتفاق وجود دارد.

اولاً کارکنان برای اداره زندگی خود مجبور می شوند ساعات بیشتری را به کار مشغول شوند و این به نوبه خود موجب خستگی جسمی و روحی در افراد می شود. اگر در آن جامعه برای تفریح و گذراندن اوقات بیکاری مردم از طرف دولت برای استفاده از اوقات فراغت، برنامه ریزی های اجتماعی نشده باشد، زمینه مساعدی برای گرایش به انحرافات اجتماعی فراهم می شود. ثانیاً مشکل ترافیک در شهرهای بزرگ منجر به خستگی ناشی از کار در افراد شده در نتیجه والدین قدرت تربیت و سرپرستی فرزندان را نخواهند داشت و بی توجهی نسبت به پرورش کودکان و نوجوانان به گرایش آنان به سمت انحرافات اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت و... کمک خواهد کرد. ثالثاً رشد شهرها باعث افزایش فاصله و شکاف طبقاتی شده و این خود به خود باعث می شود برقراری ارتباط با دوستان و خویشاوندان کمتر شده و زمینه برای ایجاد انحرافات اجتماعی فراهم شود.

ستیزه والدین: اختلافات زناشویی و نزاع بین پدر و مادر باعث می شود محیط خانواده برای تربیت فرزندان، نامن و نامناسب شود. وقتی خانواده، کانون و محیط مناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی می کند بیشترین اوقات خود را در خارج از خانواده بگذراند و این کار ارتباط او را با دیگرانی که چون شکارچیان ماهری به دنبال شکار می گردند، زیاد می کند و آنها پس از شناخت مشکل شخص در نقش انسانی دلسوز ظاهر شده و برای فرار از این واقعیت تلخ، فرد را به سوی اعتیاد و دیگر انحرافات اجتماعی فرا می خواند. هر چقدر ستیزه های خانوادگی بیشتر باشد، احتمال کشش به طرف انحرافات اجتماعی بیشتر است.

شیوه های تربیتی والدین: مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که رفتارهای کودکان و نوجوانان با شیوه های تربیتی والدین رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. شیوه های تربیتی والدین می بایست با سطح نیازها و خواسته های مختلف فرزندان و همچنین با متدهای تربیتی صحیح اسلامی هماهنگ باشد. چنانچه والدین از شیوه های تربیتی مبتنی بر اصول اعتقادی و مذهبی استفاده نمایند، نتیجه مطلوب در رفتار فرزندان منعکس خواهد شد.

عدم آگاهی و بینش صحیح والدین: مطالعات نشان می دهد کسانی که محروم از تحصیلات بوده و بینش صحیح نسبت به جامعه، تربیت و... نداشته باشند، امکان فریب خوردن و انعطاف پذیری آنها برای ارتکاب به کارهای انحرافی و برخلاف قانون بیشتر است. چون تخصص و آگاهی ندارند، نمی توانند از طریق عادی، زندگی خود را تأمین کنند و به همین دلیل است که جامعه شناسی یکی از راه های پیشگیری از جرائم را عدالت آموزشی می داند.

تعریف و هدف های آسیب شناسی

در پزشکی به مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های ارگانیکسم (موجود زنده) آسیب شناسی می گویند. در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه (نظریه اندام وارگی) می توان آسیب شناسی را مطالعه و ریشه یابی بی نظمی های اجتماعی تعریف کرد. درواقع آسیب شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، اعتیاد، خود کشی، روسپگیری، رشوه خواری، ولگردی، زورگیری، گدایی و... همراه با علل و شیوه های پیشگیری و درمان آنها و نیز شرایط بیمار گونه اجتماعی است.

هدف ها و مقاصد آسیب شناسی اجتماعی را چنین می توان بر شمرد:

مطالعه و شناخت آسیب های اجتماعی و علل و انگیزه های پدیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کژرفتاران و ویژگی های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان. شناخت درست درد ها و آسیب ها، نخستین شرط چاره جویی و بیش از نیمی از درمان است؛ درد تشخیص ندادن را درمان نتوان کرد؛ زیرا هر گونه ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است. پیشگیری از آسیب های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی خانوادگی. از آنجا که پیشگیری همواره ساده تر، عملی تر و کم هزینه تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار می باشد.

درمان آسیب دیدگان اجتماعی یا بکارگیری روش های علمی و استفاده از شیوه های مناسب برای قطع ریشه ها و انگیزه های آنان. تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کژ رفتاری و بررسی شیوه های بازپذیری اجتماعی. در عصر ما پیشگیری مهمتر از درمان است. بسیاری از آسیب شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کژ رفتاری ها باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت و برای حصول این منظور رعایت دو اصل ضروری است.

آسیب های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند:

از زوایه انسان، که هر انسان با هر دین و آئین و اعتقاد و فکر، و مذهب و گرایش و مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروه های آسیب پذیر یاری نمایند مثلاً هر انسانی دوست دارد به پیر مرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند و...

از زوایه اجتماعی اگر به این آسیب های اجتماعی بموقع رسیدگی نشود افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است.

از جنبه سیاسی، که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق می دهد و بجای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می نماید، وجود آسیب های اجتماعی، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد ضمن آنکه وجود آسیب های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است لذا لازم است که آسیب های اجتماعی ریشه یابی شود و از کلی گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارهای مدرن به جزئیات آسیب های اجتماعی توجه شود.

مدیریت شهری:

مفهوم مدیریت شهری اولین بار زمانی مورد توجه واقع گردید که در سال ۱۹۷۶ میلادی در کنار مفاهیم دیگری چون توسعه پایدار شهری پروژه شهر سالم در دستور کار یکی از برنامه های توسعه سازمان ملل با عنوان برنامه مدیریت شهری قرار گرفت. مطرح شدن چنین مفهوم و اصطلاحی از مدیریت در قالب مدیریت شهری ناشی از حرکت شیوه مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیر متمرکز در چارچوب مدیریت های محلی تر با هدف توسعه شهری بوسیله سازمانهای محلی می باشد.

مدیریت شهری بعنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاستها، برنامه ها، طرحها و اقداماتی مربوط میشود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیر ساخت های اساسی زندگی شهری خصوصاً مسکن و اشتغال می باشد در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه ای از قبیل ثبات سیاسی، وحدت و یکپارچگی اجتماعی و برخی عوامل دیگر نظیر توان و مهارت و دانش سیاستگذاران، تصمیم گیران و تصمیم سازان و نسر افراد استفاده کننده از این سیاستها و برنامه ها دارد. براین اساس ویژگیهای سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تاثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می نماید.

هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می باشد. براین اساس در شرایط فعلی مدیریت پایدار شهری با مدیریت شهری پایدار مطرح و مورد تاکید می باشد.

مدیریت پایدار شهری حداقل استفاده از منابع تجدید ناپذیر، پیشرفت در استفاده از منابع تجدید پذیر، ظرفیتهای جذب مواد زاید در سطوح جهانی و محلی، کنترل و راهبری نحوه برآورده ساختن نیاز های اساسی انسان را در بر میگیرد.

مدیریت شهری پایدار به تمامی عرصه های فعالیت شهری و نیز به تمامی شهروندان و حضور آنان در مدیریت شهری اشاره دارد. به عبارتی دیگر شهر پایدار زمانی شکل می گیرد و کارآمدی خود را نشان می دهد که مشارکت و مداخله مردم را بصورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد. (پرهیزکار، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

در رابطه با مفهوم و کارکرد مدیریت شهری چنین می توان بیان کرد که مدیریت شهری بیشتر وجه فنی و اجرایی دارد و نسبت به حکومت شهری، جو حاکمیتی آن کمتر است و نهادهای مدیریتی شهر بیشتر مجری تصمیمات نهادهای حکومتی هستند که معمولاً در سطح ملی یا محلی مطرح شوند (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷۳)

هر چند رهیافت سنتی و متداول در مدیریت شهری بر مبنای تمرکزگرایی در سطح ملی و تمرکززدایی در سطح محلی، برنامه ریزی یکپارچه در سطح کلان ملی، برنامه ریزی بخشی میان مدت، نظام بسته و انحصار طلبانه دولتی، اقدامات واکنشی و تنظیم کننده وضع موجود با استفاده از راه حل های فن سالارانه استوار بوده اما در مقابل، رهیافت نوین اداره شهرها بر تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکزگرایی در سطح محلی، نظام باز و کثرت طلبی در جامعه مدنی، اقدامات ابتکاری و تسهیل کننده وضع مطلوب، عمل اجتماعی و مشارکت فراگیر استوار است (طرح تحقیقاتی طراحی نظام مطلوب مدیریت مجموعه های شهری تهران، ۱۳۸۴).

بحث های کلیدی درباره «بهترین» راه های اداره شهرها طیف وسیعی از موضوعات مختلفی چون مدل حکومت، قدرت شهردار، نحوه انتخاب شهردار (توسط شورا از میان اعضای آن یا خارج از شورا)، انتخاب شورا و شهردار (در روش های مختلف مستقیم، با رای یکپارچه شهروندان، با رای مجزای نواحی مختلف شهر و یا به صورت مرکب)، رای مخفی غیر حزبی، تعادل رابطه شورا و شهردار، مسؤولیت پذیری مدیر شهر و بی طرفی سیاسی را در برمی گیرد. در این میان ساختار مدیریت شهری یکی از ابعاد بسیار مهم حکمرانی شهری محسوب می شود.

مدل های مدیریت شهری

هر چند مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد؛ وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظام های اجتماعی و سیاسی گوناگون) تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه های عمرانی و غیره نمی شود و جهت دهی فعالیت های شهری و ترسیم چشم انداز شهر در راستای دستیابی به توسعه پایدار از جمله مهمترین وظایف مدیران شهری به شمار می رود (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۴۴)

در میان دسته بندی های مختلفی که در رابطه با مدل مدیریت شهری ارائه شده است می توان به چهارگونه ساختار اداری و مدل اصلی اشاره کرد که با توجه به تقسیم مسئولیها به شرح ذیل عبارتند از:

۱- ساختار شورا - شهردار ضعیف

۲- ساختار شورا - شهردار قوی

۳- سیستم کمیونی

۴- سیستم مدیر-شورا

تعریف حکومت محلی و سازمان محلی

حکومت یا دولت به طور کلی به تشکیلات و نهادهایی اطلاق می شود که وقتی توسط مردم یک محل (به نام حکومت محلی) یا مردم یک منطقه (به نام حکومت ایالتی) و یا مردم یک کشور (به نام حکومت مرکزی یا فدرال) ایجاد گردید و مردم نمایندگانی را از طرف خود برای نظارت و تصمیم گیری در امور آن انتخاب کردند، در هیچ مورد نیازی به کسب اجازه از یک واحد حکومتی دیگر و یا گزارش دادن به واحد حکومتی دیگر نداشته باشد. این روش در کشورهایی که از سیستم عدم تمرکز پیروی می کنند، رایج است. (هاشمی، ۱۳۷۱، ص ۲۳)

انواع سازمان های محلی

به طور کلی سازمان های محلی را دو دسته عمده (شورای شهر و شهرداری برای اداره کردن امور شهرها) و تشکیلات اداری روستایی (برای اداره کردن امور روستاها) می توان تقسیم نمود. لکن نهادهای دیگر از جمله شوراهای بخش و شهرستان و تشکیلات اداری مرتبط با آنها را نیز می توان جزء سازمان های محلی محسوب نمود. زیر خدماتی که معمولاً به عهده آنها محول می گردد مربوط به سطح وسیعی از تقسیمات اقلیمی کشور نبوده و جنبه محلی دارد.

۱- شهرداری ها

شهرداری ها را کاملترین سازمان محلی می توان محسوب داشت. در کشور ما نیز اگر چه شهرداری ها شدید تحت کنترل و نظارت حکومت مرکزی و همچنین استانداران و فرمانداران و بخشداران می باشند. قسمت قابل ملاحظه ای از درآمد آنها توأم با مالیات و حقوق و عوارض گمرکی توسط سازمان های دولتی وصول و به آنها تحویل گردد و از کمک های بلاعوض عمرانی استفاده می کنند. ولی چون اولاً تصویب بسیاری از آنها امور آنها از جمله تصویب بودجه و عوارض وصولی آنها به عهده شورای شهر بوده و ثانیاً حساب درآمد و هزینه هر یک از آنها جداگانه توسط خود آنها نگاهداری می شود و ثالثاً عهده دار تعداد قابل ملاحظه ای از خدمات محلی مورد احتیاج ساکنان شهرهای می باشند، لذا می توان آنها را در مقایسه با سایر کشورها کاملترین سازمان های محلی در ایران دانست. (سعیدنیا، ۱۳۷۹، ص، ۱۲۳)

۲- شورای شهر

سیستم مدیریت شهری در ایران اقتباس از سیستم (شورای شهر - شهردار) است که سیستم خوبی در جهان و از اوایل قرن بیستم ابداع گردیده است و اکنون در بسیاری از کشورهای جهان رایج است. در این سیستم مردم شهر عده ای را به نمایندگی شورای شهر انتخاب می کنند و سپس شورای مذکور، شخص واجد شرایط و متخصصی را به عنوان شهردار استخدام و منصوب نموده، اداره امور شهر را به عهده او واگذار و برنامه فعالیت ها و عملیات شهرداری و منابع درآمد و طرز به مصرف رسانیدن آن را تصویب، در پیشرفت کارهای شهرداری نظارت به عمل می آورد.

دو سیستم عمده دیگر نیز وجود دارد: یکی سیستم " شهردار- شورای شهر ". مردم شهر شهردار را جداگانه و اعضای شورای شهر را نیز جداگانه انتخاب می نمایند و شهردار ضمناً ریاست شورای شهر را هم دارا می باشد و لزوماً دارای تخصص نیست. نوع دیگر سیستم شورایی مطلق است که اعضای شورا هر کدام مسئول قسمتی از کارهای شهرداری بوده ضمناً با یکدیگر جلسات مشورتی دارند و درباره کلیه امور تصمیم گیری جمعی دارند. (سعیدنیا، ۱۳۷۹، ص، ۱۴۹)

نتیجه گیری

هر جامعه ای تناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تاثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می تواند مسیر حرکت جامعه را بسوی ترقی و تعامل هموار سازد، بطوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه راه حلهایی به سلامت جامعه کمک نماید. به عنوان مثال مسأله اعتیاد را در نظر بگیریم. این مسأله هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی مطرح است. روشن است در سطح اجتماعی منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی بارآور جامعه می شود. شناسایی علل اساسی و کنترل آنها می تواند بخصوص توسط مدیران و مسئولین شهری بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه را تجدید نموده، در مسیر کار سالم جامعه هدایت کند.

منبع:

ایمانی جاجرمی، حسین، فیروزآبادی سیداحمد (۱۳۸۶) بررسی مدل های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان های مدیریت شهری و روستایی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۳۲، از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۱۱، بهاء، محمد(۱۳۹۵)، نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب های اجتماعی (اعتیاد) آوای همیاری، شماره ۹۰

پيله وری، نازنین (۱۳۹۴) ارائه الگویی جهت ارزیابی حکمرانی خوب شهری (شهرداری منطقه ۱۰) پژوهش های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۵، شماره ۴،

سجاسی قیداری حمدالله، حاجیان، نرگس (۱۳۹۷)، ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخصهای حکمروایی مطلوب نمونه موردی: روستاهای توابع شهرستان چناران، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۷ صص ۲۰۸-۱۹۱،

-قادری صلاح الدین، فاضلی محمد، پاک سرشت سلیمان (۱۳۹۵) راهبردهای محله محوری و توسعه محله ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان، نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)، شماره ۱۴، صص ۵۷-۸۸
حمیدرضا یزدانی و رضا یازرلو، «تحلیل نگرش‌های فرهنگی خانواده در حوزه آموزش کودکان کار و خیابان»، فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ، ۱۴۰۱، دوره اول، شماره ۴، ۶۷-۷۹